

با سلام و تشکر از شما.  
 بعد از خواندن دقیق مرامنامه و اساسنامه سوالاتی داشتیم که جهت روشن شدن ذهن خود از شما می‌پرسم  
 امیدوارم که با جواب شما ابهامات من بر طرف گردد:  
 ۱- با توجه به اصل سیزده از فصل چهارم مرامنامه، تکلیف تاریخ هجری شمسی چه می‌شود و جایگاه آن در آینده ایران چه خواهد شد؟  
 ۲- نظر سلزمان در مورد ملی‌گرایی و با ایران دوستی چه می‌باشد؟ با توجه به اینکه ایرانیان خود دارای تاریخ و فرهنگی مستقل از دیگر کشورها هستند سازمان تا چه حد به این اختلاف اعتقاد دارد و به آن رسمیت می‌دهد؟  
 ۳- من متأسفانه با خواندن اصل چهارده از فصل چهارم این ذهنیت در من به وجود آمد که مقدار تعطیلات رسمی واداری در کشور نه تنها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه ممکن است افزایش نیز بیابد، با توجه به این نکته که تعطیلات تابستان مخصوص سال تحصیلی است و نه سال اداری. حال می‌خواهم بدانم که آیا سوء تفاهمی پیش آمده و اگر آمده در کجا این سوء تفاهم پدید آمده است؟  
 ۴- با توجه به مفاد اساس نامه آیا امکان اجرای آن در شرایط فعلی که سازمان در حال مبارزه و فعالیت غیر علنی در ایران می‌باشد وجود دارد؟ با توجه به این نکته که امکان تجمع همه اعضا چه در داخل و چه در خارج کشور مقدور نمی‌باشد.  
 ۵- آیا به نظر سازمان امکان اینکه آمریکا به ایران تعرض نظامی کند است؟ در صورت جواب مثبت و وظیفه ما چه می‌باشد و چگونه می‌توانیم از شرایط به وجود آمده برای منافع کشور استفاده کنیم؟  
 پیشاپیش از توجه شما کمال تشکر را دارم.  
 به امید پیروزی خداحافظ

بسم الله الرحمن الرحيم

## جواب سوالات برادر عزیز آقای ف

برادر عزیز آقای ف خوشحال هستیم که مرامنامهٔ شما را به دقت مطالعه کرده و سوالات مفیدی را در رابطه با بعضی از اصول آن استخراج کرده، و نیز سوالات دیگری را برای روشن شدن مواضع شما ارائه کرده‌اید. ان شاء الله جواب سوالها را دریافت خواهید کرد.

۱- مسئلهٔ سرنوشت تاریخ هجری-شمسی و دیگر قضایای فرهنگی و سیاسی و .... وابسته به رای و خواست مردم است، و این مردم ایران هستند که میتوانند با رای مثبت و یا منفی خود، مواضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و .... که شما ارائه کرده، متحقق و یا اجرایشان را به تاخیر بیندازند. در صورت پذیرش مرامنامهٔ شما از طرف مردم، اصول آن، مستحق حاکمیت و اجراء میشوند،

و در غیر این صورت ، سماء برای کسب اکثریت به مبارزات فکری - سیاسی خود ادامه خواهد داد . ولی متأسفانه به دلیل حاکمیت نظام استبدادی و سلب رای و موضع از همهٔ آحاد ملت و سرکوب و عدم تحمل همهٔ احزاب و سازمانها ، این کارها کلاً مربوط به بعد از نظام استبدادی میشوند .

۲ - تاریخ و فرهنگ مردم ایران از مردم کشورهای اسلامی نه تنها جدا و مستقل نیست ، بلکه ایران و ایرانی دارای تاریخ و فرهنگ مشترک با سایر کشورها و جوامع اسلامی است . و این اشتراک دارای ابعاد مختلف سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و .... میباشد ، و حتی عمر مرزهای موجود ایران کمتر از دو قرن است! بگذریم از اینکه این مرزها تنها ارضی هستند و استبداد و استعمار نتوانسته اند مرزهای فکری و عقیدتی و فرهنگی بین مسلمین و جوامع اسلامی ایجاد کنند . و اصلاً تاریخ ۱۴۰۰ سالهٔ ایران و ایرانی ، مثل سایر بلاد اسلامی ، تاریخ اسلام و مسلمین است . و اگر هم فکر کنیم که مثلاً مذهب شیعه قضیه را تغییر داده است ، این اصل در رابطه با کشورهای دیگر اسلامی ، از جمله در مورد عربستان ( حجاز ) صدق میکند ، و در آنجا نیز ، مذهب اهل حدیث - به سبک محمد بن عبدالوهاب ، تفاوت‌های زیادی را ایجاد کرده ، و حتی مذاهب حنفی و شافعی در آنجا به زحمت تحمل میشوند . و اختلافات ثانوی و غیر اساسی در همهٔ کشورهای اسلامی به دلایل : مسافت و عدم ارتباط گسترده و وجود مرزهای استعماری ، وجود دارند ، و این اختلافات ، در خود ایران هم مشاهده میشوند ، و علاوه بر مسئلهٔ زندهٔ شیعه و سنی در ایران ، قضیهٔ اقوام ایرانی هم مطرح و زنده است . در ایران ۷ قوم وجود دارند ، که اختلافات کمی با هم ندارند ، ولی در عین حال همه مسلمان و دارای یک تاریخ و فرهنگ و دین هستند و آنها هم اسلام است و سرنوشتشان نیز مشترک است ، و بالاخره برداران دینی یکدیگرند . و همین است که سماء برای آیندهٔ سیاسی ایران ، جمهوری متحدهٔ مردمی ارائه داده است . در رابطه با قسمت اول این سؤال از دیدگاه سماء به تحلیل « ملت‌گرایی » که در شبکهٔ سماء منتشر شده رجوع فرمایید .

۳ - مسئلهٔ تعطیلات در ایران با توجه به مرامنامهٔ سماء و با تکیه به اصل ۱۴ فصل افکار و عقاید اجتماعی ، افزایش پیدا نمی‌کند . و در این اصل علاوه بر اینکه تعطیلات موجود تابستانی مدارس و ... که سه ماهه میباشد ، به دو ماه تقلیل

داده شده، برای رمضان هم نیمه تعطیلات پیشنهاد شده است. و اگر در روزهای تعطیلی موجود سر و سامانی داده شود و روزهای تعطیلی بصورت متبادل بین اعیاد تقسیم شوند، و نیز روزهای تعطیلی استبدادی حذف گردند، مشکلات زیادی حل میشوند. و در این صورت تعطیلات سالانه نه تنها افزایش پیدا نمیکند، بلکه حتی قریب به یک ماه نیز از تعطیلی بی مورد کم خواهد شد.

۴- در رابطه با سوال چهارم و اجرای مرامنامه و اساسنامه در حال حاضر باید گفت: اجرای اصول مرامنامه و اساسنامه، در حال حاضر و در سایه وجود نظام استبدادی، بسیار مشکل و حتی اکثر اصول سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی آن معطل میباشد، و فعلا حالت طرح و برنامه دارند و بیشتر برای بعد از نظام استبدادی ارائه شده اند، و چنین چیزی مسئله ای بدیهی میباشد. زیرا هر حزب و سازمانی، قبل از زمینه های واقعی تحقق افکار و مواضعش، باید خود را و اهداف و مواضع خود را به جامعه ارائه دهد و روی آنها کار کند و برای دعوت به آنها و فراهم سازی زمینه های تحقق آنها تلاش نماید. و در عین حال آن اصولی که داخل تشکیلاتی محسوب میشوند، به تناسب زمینه های موجود، باید اجراء شوند، و اعضای سماء باید به آنها پایبند باشند.

۵- و بالاخره در رابطه با سؤال مربوط به حمله آمریکا به ایران باید گفت: نظام استبدادی خمینی، از اول و حد اقل بصورت مستند از دوره ماکفارلین، تمام تلاش خود را به خرج داده تا با آمریکا و اروپا زد و بند و سازش نماید، و در این رابطه حتی در افغانستان با آمریکا حکومت مشترک تشکیل داده است. در رابطه با عراق هم، نظام خمینی آماده هرگونه همکاری با آمریکاست، و لشکر بدر وابسته به آقای حکیم آماده هجوم به عراق بلا زده همراه با آمریکا است. و اکنون هم جناب خاویار سولانا سخنگوی قبلی ناتو و اینک مسئول روابط خارجی ناتویها و مسئول امور استعمارگری اروپا به ایران رفته و مهمترین کارش مسئله حمله به عراق و افغانستان و هماهنگی بیشتر در این رابطه است. ( برای توضیح بیشتر به تحلیل «سیاست فعالتر» در شبکه سماء مراجعه شود ). اما چیزی که هست اینست که آمریکا و اروپا به این چیزها راضی نمیشوند. در نتیجه نظام خمینی در برابر غرب دو راه بیشتر ندارد: یا باید سفارت غاصبان صهیونی - امریکی ( اسرائیل ) را در تهران بپذیرد و آماده شود که از نظام استبدادی پهلوی کم

نیاورد و یا در نهایت و بعد از صدام با آمریکا و اروپا درگیر شود. و چون ماهیت نظام استبدادی، ضد مردمی است، و مردم در زمانی که نظام استبدادی با اربابان خود درگیر میشود، به آن پشت خواهند کرد، سقوط نظام استبدادی حتمی خواهد شد، و غرور و قلدری استعمار و امپریالیسم هم از همینجا ناشی میشود. و نظام استبدادی خمینی هم، اگر ازش پذیرفته شود، در راه حفظ قدرت، آمادهٔ دادن هر امتیازی خواهد شد. و در این راستا نظام خمینی باید از همهٔ گروههای شیعی ولایتی که روی آنها سرمایه گذاریها کرده است، دست بردارد. البته لازم به ذکر است که آمریکا نه به سادگی به عراق حمله میکند و نه به این زودی مسئلهٔ ایران حاد میشود. برای غرب یک اصل اساسی وجود دارد که قابل گذشت نیست و آن اینست: زمانی یک نظام استبدادی باید ساقط شود که اولاً نظام استبدادی مربوطه پوسیده شده باشد و قابل دوام نباشد، ثانیاً برای نظام استبدادی مورد هدف، باید نظام استبدادی دیگری امکان جانشینی داشته باشد، و حد اقل، امکان مهار وضع سیاسی وجود داشته باشد و بشود حکومت دلخواه غرب و آمریکا را مجدداً سر کار آورد. اما اینکه مردم و آزادیخواهان در میانهٔ جنگ استبداد و استعمار چه وظیفه ای به عهده دارند، پاسخ ساده ای وجود ندارد، ولی همهٔ آزادیخواهان و استقلال طلبان، اولاً باید بسیار هوشیار باشند که در خدمت استبداد یا استعمار قرار نگیرند، ثانیاً باید طوری عمل کنند که پایان کار به نفع آزادی و استقلال باشد، ثالثاً این میدان عمل است که تعیین میکند که آزادیخواهان و استقلال طلبان چه باید بکنند، و طبق اصول سماء اجتهاد در « خلاء » باطل است.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران  
۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۳ - ۸ مرداد ۱۳۸۱